

## چرا پلیس راهور در امر نقل و انتقال خودروها دخالت می‌نماید؟

خسرو عباسی داکانی<sup>۱</sup>

اشاره:

به گزارش خبرگزاری مهر، رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور در مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۱۰ پیرامون مسائل مربوط به نقل و انتقال خودروها مطالبی را عنوان نموده‌اند که لازم است با بررسی آن، مطالبی در نقد اظهارات ایشان، اطلاع‌رسانی شود. ایشان در ابتدای بیانات خود عنوان نموده‌اند: «مسئولان دفترخانه‌ها در چند ماه اخیر موضوع را به نحوی مطرح می‌کنند گویی پلیس در بحث نقل و انتقال خودروها وظیفه دفترخانه‌ها را برعهده گرفته است ولی این موضوع صحت ندارد و قرار نیست چنین اتفاقی بیفتد. زیرا پلیس در ماه‌های گذشته تاکنون تنها به وظیفه خود عمل کرده است.» در پاسخ به این بخش از اظهارات ایشان چند نکته را باید متذکر شد؛

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۶ تهران و عضو کمیسیون حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران. توضیح ماهنامه «کانون»: قطعاً ماهنامه در مقام پاسخ به موضوع مطرح شده از سوی رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور، این یادداشت را منتشر نمی‌کند بلکه نظر به این که اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی مسایل روز و مبتلابه دفاتر اسناد رسمی ضروری است جهت اطلاع مسئولان از واقعیت امر تنظیم سند رسمی خودرو انعکاس می‌یابد.

*اول:* موضوع دخالت پلیس در امر نقل و انتقال خودروها چند سال است که مطرح و تعقیب شده است. در ابتدا با طرح موضوع «طرح ملی تعویض پلاک خودروها» مراکزی تحت عنوان «مراکز نقل و انتقال خودروها» در سراسر کشور بدون آن که مصوبه قانونی داشته باشد، تأسیس شد و با ترتیب دادن مصاحبه‌های متعدد، مسئولین پلیس راهور در رسانه‌ها مردم را از مراجعه به دفاتر اسناد رسمی برحذر داشته و آن‌را گویی یک جرم نابخشودنی عنوان و تلقی نمودند و به مردم القا کردند که تنها باید برای نقل و انتقال خودرو، به مراکز مزبور مراجعه نمایند و نقل و انتقال خودرو را در صلاحیت ذاتی خود دانستند اما پس از آن که با مخالفت قانونی کانون سردفتران و دفتریاران روبه‌رو شدند و کانون سردفتران و دفتریاران موضوع را به مسئولین کشور گزارش نمودند، مجبور شدند از طریق هیئت دولت، ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی را به تصویب برسانند تا جنبهٔ قانونی به اقدامات خود ببخشند. لیکن خوشبختانه در ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه مزبور، هیئت دولت، موضوع نقل و انتقال مالکیت خودرو و تعویض پلاک خودرو را از یکدیگر تفکیک نموده و تنها بخش تعویض پلاک را در صلاحیت پلیس دانسته و بر آن تأکید نمودند. هم‌چنین با مداخلهٔ رئیس وقت سازمان ثبت از اقدامات غیرقانونی پلیس راهور جلوگیری شد و با انجام مصاحبه‌ها و مذاکراتی، این نهاد انتظامی را تشویق نمودند که توافق‌نامه‌ای با کانون سردفتران و سازمان ثبت منعقد کنند تا دفاتر اسناد رسمی به‌طور دوره‌ای در مراکز مزبور مستقر گردیده و پس از تعویض پلاک خودروها امر نقل و انتقال رسمی خودروها را در همان مراکز تعویض پلاک به‌انجام برسانند و بدین ترتیب تلاش‌های پلیس راهور را در جهت حذف دفاتر اسناد رسمی از فرایند نقل و انتقال خودروها خنثی نمودند و حتی برای نشان دادن حسن‌نیت خود و با وجود تأکید بر جدا بودن موضوع نقل و انتقال مالکیت خودروها و امر تعویض پلاک خودروها، برای حل مشکلات ناشی از عدم تنظیم اسناد رسمی نقل و انتقال خودروها در دوره‌ای که با تبلیغات پلیس برخی از مردم از ثبت معاملات خود در دفاتر اسناد رسمی خودداری نموده بودند و تصور می‌کردند که با اعلام پلیس دیگر نیازی به ثبت معاملات خودرو نیست و

تعویض پلاک کافی است؛ در این مقطع زمانی، مسئولان سازمان ثبت، توافق نمودند که دفاتر اسناد رسمی، معاملات بعدی خودروهای مزبور را به استناد شناسنامه‌های خودرو که در آن دوره توسط پلیس راهور صادر شده بود، به ثبت برسانند تا این مشکل نیز حل شود و لیکن متأسفانه، مسئولان پلیس راهور، برخلاف توافق مزبور، بعداً از حضور سردفتران در مراکز مزبور جلوگیری نمودند و اجازه ندادند تا توافق‌نامه تداوم یافته و به‌طور کامل به‌اجرا درآید و در مقابل، از طریق مجلس و هیئت دولت در پی آن بوده‌اند که در مقررات گوناگون که به‌تصویب مراجع مذکور می‌رسد، موادی را اضافه نمایند تا به پلیس راهور اجازه داده شود که رأساً معاملات راجع به خودروها را بدون نیاز به مراجعه به دفاتر اسناد رسمی به انجام برساند. امری که تاکنون ادامه داشته و آخرین بار شاهد هستیم که در مجلس شورای اسلامی در مقرراتی که راجع به راهنمایی و رانندگی در دست تصویب می‌باشد، ماده‌ای را پیشنهاد داده‌اند که پلیس راهور رأساً به نقل و انتقال خودروها مبادرت ورزد. لیکن خوشبختانه، با درایت اعضای کمیسیون قضایی مجلس، این بار نیز با اصلاح ماده پیشنهادی پلیس راهور مقرر شد؛ نه تنها امر نقل و انتقال خودرو در دفاتر اسناد رسمی صورت گیرد بلکه تعویض پلاک نیز به دفاتر مزبور محول شود و این ماده در کمیسیون قضایی مجلس با اکثریت مطلق آرا به‌تصویب رسید. اما متأسفانه، در صحن علنی مجلس با طرح یک ایراد شکلی از سوی یکی از نمایندگان این ماده از لایحه مذکور حذف شد.

حذف این ماده موجب شد تا مسئولین پلیس راهور دوباره با انجام مصاحبه‌هایی، برخلاف واقع، عنوان نمایند که با حذف ماده مزبور از لایحه موردنظر دیگر نیازی به ثبت نقل و انتقال خودروها در دفاتر اسناد رسمی نیست و مجلس شورای اسلامی با حذف ماده مزبور بر این امر صحنه گذاشته است و تنها تعویض پلاک خودرو را برای انتقال مالکیت خودرو کافی اعلام نمودند.

لیکن خوشبختانه، شورای نگهبان با ایراد اشکالاتی لایحه مزبور را مجدداً به مجلس شورای اسلامی اعاده نموده است تا علت حذف این ماده نیز روشن شود. در این فاصله، خوشبختانه، برخی از نمایندگان و مسئولین مجلس شورای اسلامی بر این تلقی پلیس راهور خط بطلان کشیده و آن را نفی نموده‌اند. اما مسئولان پلیس راهور کماکان به مصاحبه‌های خود ادامه می‌دهند که آخرین نمونه آن مصاحبهٔ یادشده می‌باشد.

بنابراین، این موضوع که پلیس راهور به دنبال حذف دفاتر اسناد رسمی از فرایند نقل و انتقال خودرو می‌باشد امری است که به دلالت مدارک و مستندات موجود و مصاحبه‌های فراوان مسئولان پلیس از سوی خود پلیس راهور تعقیب و عنوان می‌شود و مسئولان دفاتر اسناد رسمی هرگز نقشی در آن نداشته‌اند. با توجه به مطالب مذکور، ادعای رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور تکذیب می‌شود و ایشان باید پاسخ بدهند اگر - همان‌طور که ایشان ادعا دارند - پلیس تنها به دنبال انجام وظیفه شماره‌گذاری و تعویض پلاک خودروها می‌باشد؛ چرا اصرار دارد که موضوع نقل و انتقال خودرو را نیز برعهده بگیرد و این کار چه فایده‌ای دارد که بر انجام آن پافشاری می‌کند؟ نفی جایگاه قانونی و نقش بی‌بدیل دفاتر اسناد رسمی در امر نقل و انتقال مالکیت خودروها و تأکید مکرر بر عدم لزوم ثبت رسمی معاملات خودروها و ترویج و تشویق مردم به انجام معاملات عادی و عدم پرداخت حقوق و عوارض قانونی متعلقه که مفسد و عواقب مخرب و هرج و مرج ناشی از آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست، معلوم نیست که با چه انگیزه‌ای از سوی پلیس تعقیب می‌شود. جوسازی پیرامون هزینه‌های مربوط به ثبت رسمی معاملات خودرو که تحت عنوان هزینه اضافی و تحمیل مشقات از سوی پلیس راهور مطرح می‌شود، روشن نیست که چه منافی را برای پلیس دربردارد که این چنین مدام بر آن تأکید و تعقیب می‌شود؟

آیا دفاتر اسناد رسمی و دیگران تاکنون هرگز در پی آن بوده‌اند که وظایف پلیس را برعهده بگیرند؟ آیا فعالیت دفاتر اسناد رسمی، رقیب پلیس در این امر محسوب می‌شود؟ آیا فعالیت

پلیس و دفاتر اسناد رسمی در طول یکدیگر قرار دارد و یا در عرض یکدیگرند؟ و اساساً اگر پلیس به امر تعویض پلاک خودروها اکتفا کند و امر نقل و انتقال خودروها را که فرایند دیگری محسوب می‌شود، به دفاتر اسناد رسمی واگذارد آیا تداخل و تعارضی در وظایف قانونی محوله به هر یک از نهادهای مذکور ایجاد می‌شود؟ پس روشن می‌شود که برخلاف ادعای رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور، مشکل تنها وقتی بروز می‌نماید که پلیس راهور می‌خواهد برخلاف تأکید مسئولان نظام بر پرهیز قوای حاضر در بخش حاکمیت دولت از تصدی‌گری، حوزه فعالیت خود را گسترش داده و احیاناً به‌خاطر تأمین حقوق بخشی از کارکنان بازنشسته خود به تصدی‌گری نیز روی آورده و در امر نقل و انتقال خودروها که با توجه به سابقه دیرین آن و مقررات قانونی در صلاحیت ذاتی دفاتر اسناد رسمی است، دخالت نماید. در نتیجه هرگاه پلیس راهور از این‌گونه تلاش‌های بی‌فایده دست برداشته و تنها به انجام وظایف محوله قانونی خود بپردازد هرگز در این حوزه مشکلی نخواهیم داشت و چالش‌های جدیدی در سطح جامعه و مسئولان ایجاد نمی‌شود و موجب دغدغه خاطر مسئولان نظام نیز نمی‌گردد و اصولاً این سؤال مطرح می‌شود که آیا با توجه به مشکلات مهمی که مسئولان در سطح کلان با آن روبه‌رو هستند این امر از انصاف به‌دور نیست که پلیس راهور بخواهد موجبات دغدغه خاطر ایشان را برای این امر کوچک نیز فراهم نماید و وقت دولت و مجلس و شورای نگهبان را به آن اختصاص دهد تا منافع بخشی و جزیره‌ای خود را تأمین نماید؛ منافی که تأمین آن به بهای زایل شدن منابع تأمین مالی و اشتغال دفاتر اسناد رسمی فراهم خواهد شد.

به‌علاوه، همان‌طور که مسئولان پلیس راهور و رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور نیز اشراف دارند موضوع نقل و انتقال مالکیت خودروها با توجه به ظرایف حقوقی مربوطه و با توجه به تبعات امنیتی آن که پلیس راهور بر آن تأکید فراوان دارد؛ به دلالت و تأکید مقررات قانونی مربوط به راهنمایی و رانندگی و سایر مقررات جاری و با توجه به مأموریت قانونی سردفتران در امر تنظیم و ثبت اسناد رسمی در صلاحیت ذاتی دفاتر اسناد رسمی است و تا زمانی که مقررات

جاری بر انجام رسمی معاملات مزبور تأکید دارد که موجب سلامت و امنیت و دقت و صحت اسناد مربوطه می‌شود و همچنین وصول حقوق و عوارض دولتی و شهرداری را در پی دارد، کوبیدن بر طبل عدم لزوم ثبت معاملات راجع به خودروها در دفاتر اسناد رسمی چه معنایی دارد؟ آیا از مسئولان کشوری، انتظار بی‌حرمتی و زیرپا نهادن مقررات حاکم در خصوص مورد می‌رود؟ و چه امری موجب می‌شود تا با نادیده گرفتن مقررات فعلی بر عدم ضرورت رسمی معاملات خودرو در دفاتر اسناد رسمی تأکید شود؟ این موضوعی است که مسئولان پلیس راهور باید بدان پاسخ دهند؟

**دوم:** طرح این موضوع از سوی رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور با چه انگیزه‌ای صورت می‌گیرد؟ تأکید بر این امر که؛ «نقل و انتقال خودرو در دفترخانه هزینه اضافی بر مردم تحمیل می‌کند» و «از نظر پلیس مراجعه به دفترخانه برای ثبت نقل و انتقال خودرو ضرورت ندارد» و «سند مالکیت خودرو که توسط پلیس صادر می‌شود، یک سند رسمی است و کافی برای اثبات مالکیت است» آیا شایسته است؟ چگونه یک مسئول دولتی در سطح کشوری به خود اجازه می‌دهد جو جامعه را متشنج کند و اقدامات قانونی مراجع رسمی کشور را که مبتنی بر مقررات قانونی است، زیر سؤال ببرد؟ آیا دفاتر اسناد رسمی تاکنون برخلاف قانون رفتار می‌نموده‌اند و وجوه اضافی از مردم دریافت می‌کرده‌اند و آیا مسئولان دولتی تاکنون غافل بوده‌اند و به زیرمجموعه خود توجهی نداشته‌اند؟ به نظر نمی‌رسد که این‌طور باشد و همان‌طور که بیان شد، بسیاری از وجوهی که در دفاتر اسناد رسمی برای ثبت معاملات راجع به خودرو وصول می‌شود مربوط به مالیات نقل و انتقال خودرو و عوارض مربوط به شهرداری و حق‌الثبت دولتی سند می‌باشد که ارتباطی به دستمزد دفاتر اسناد رسمی ندارد و تنها بخش اندکی از وجوه دریافتی بابت حق‌الزحمه تحریر اسناد است که به سردفتران و کارکنان دفترخانه تعلق می‌گیرد. بنابراین این نوع فرافکنی چه هدفی را تعقیب می‌نماید؟ اگر همان‌طور که رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور تأکید نموده‌اند شناسنامه خودرو که توسط پلیس صادر می‌شود برای اثبات مالکیت کافی

است، پس دیگر انجام معامله برای نقل و انتقال مالکیت ضرورت نخواهد داشت و پلیس به نام هر شخص، شناسنامه خودرو را صادر نماید، او مالک خودرو محسوب می‌شود و نیازی به اثبات نحوه و چگونگی خرید خودرو و ابراز دلایل مربوطه نخواهد داشت. آیا این امر راه سوءاستفاده را برای متخلفین باز نخواهد نمود؟ در حالی که طبق تأکید ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی و قانون راجع به آن و قوانین و مقررات دیگر، صدور شناسنامه خودرو تنها هنگامی میسر خواهد بود که معامله‌ای بین مالک و خریدار ثبت شده باشد و البته با ارسال مدارک مربوط به معامله توسط دفاتر اسناد رسمی به راهنمایی و رانندگی است که شناسنامه خودرو به نام خریدار صادر خواهد شد.

همان‌طور که در بخش ثبت املاک نیز صدور سند مالکیت املاک با سازمان ثبت می‌باشد، لیکن این امر بدین معنا نیست که مردم از مراجعه به دفترخانه و ثبت رسمی معاملات خود بی‌نیاز هستند. زیرا سند مالکیت تنها در دو صورت از سوی سازمان ثبت صادر می‌شود؛ بخش اول، هنگامی است که شخص تقاضای ثبت ملکی را که تاکنون سابقه ثبت نداشته، به نام خود می‌کند و با بررسی‌های قانونی هرگاه مشخص و احراز شود که حق با اوست و اظهارات او صحت دارد، سند مالکیت به نام او صادر می‌شود ولی پس از صدور سند مالکیت، هرگاه مالک ملک بخواهد ملک خود را به دیگری انتقال دهد، مکلف است به دفاتر اسناد رسمی مراجعه و معامله خود را به ثبت برساند و در این بخش این دفترخانه است که معامله مزبور را در ستون انتقالات سند مالکیت به ثبت می‌رساند و خریدار مالک جدید ملک می‌شود و پس از ثبت معامله، دفترخانه خلاصه معامله را به اداره ثبت محل می‌فرستد و اداره ثبت نام خریدار، را در دفتر املاک وارد می‌کند و از این پس خریدار مالک جدید ملک تلقی می‌شود. متأسفانه در سال‌های اخیر، برخلاف رویه شایسته و قانونی گذشته با تأکید پلیس راهور در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی برخلاف قانون مربوط به آن، رویه صحیح گذشته به کناری گذاشته شد و برخلاف رویه سابق که به این امر تأکید داشت که پس از صدور سند مالکیت

اولیه (سند فروش) از سوی کارخانجات خودروسازی، اداره پلیس وظیفه داشت تا سند مالکیت برای اشخاص صادر کند. پس از آن هرگاه مالک، قصد فروش خودرو را داشت به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می نمود و پس از ثبت رسمی معامله، دفترخانه برگ سبز (شناسنامه خودرو) را با رونوشت سند رسمی تنظیمی به راهنمایی و رانندگی ارسال می نمود تا شناسنامه و کارت خودرو جدید به نام خریدار صادر شود. این امر که مبتنی بر منطق و امری اصولی و صحیح بود، در نتیجه اصرار پلیس در به دست گرفتن امر نقل و انتقال خودروها و اختلافات پلیس راهور با دفاتر اسناد رسمی در خصوص دخالت پلیس در امر نقل و انتقال خودرو چهره وارونه به خود گرفت و در ماده ی ۲۰ آیین نامه مزبور مقرر شد؛ ابتدا اشخاص به مراکز تعویض پلاک خودرو مراجعه و پلاک خودرو را تعویض نمایند و شناسنامه پلاک به نام خریدار صادر شود و سپس جهت ثبت رسمی معاملات خود به دفاتر اسناد رسمی مراجعه نمایند. در حالی که عملاً ممکن است با وجود آن که پلاک خودرو به نام خریدار تعویض شده است، هنگام مراجعه طرفین معامله به دفترخانه جهت ثبت رسمی معامله خود، اشکالات متعددی حادث شود که ثبت معامله را غیرممکن سازد؛ مشکلاتی مانند عدم اهلیت، نداشتن سمت قانونی یا منقضی شدن دوره مدیریت اشخاص حقوقی، عدم حضور اشخاصی که باید برای امضای سند حضور داشته باشند، فوت مالکین و عدم انجام مراحل انحصار وراثت، در اختیار نداشتن مدارک مثبت مالکیت، یا مجعول و مخدوش بودن مدارک ابرازی و سایر مشکلاتی از این قبیل ممکن است مانع از ثبت رسمی معامله گردد. در این صورت، روشن نیست که تکلیف معامله چه خواهد شد؟ تکلیف پلاک تعویض شده چه خواهد شد؟ تکلیف مبالغی که رد و بدل شده است، چه خواهد شد؟

بنابراین، ترتیب مندرج در ماده ی ۲۰ آیین نامه ترتیبی است که برخلاف قانون و رویه قانونی سابق می باشد و با منطق حقوقی سازگار نیست و خسارت های مادی و معنوی فراوانی به اشخاص وارد خواهد ساخت. از سوی دیگر، این امر موجب می شود که پلیس راهور این ادعا را مطرح کند؛ شناسنامه (برگ سبز) صادره از سوی پلیس، سند مالکیت خودرو است و دیگر نیازی



به مراجعه به دفترخانه جهت ثبت رسمی معامله نیست. در حالی که ملاحظه شد که این امر چه مشکلاتی را در پی دارد. با توجه به مطالب یادشده، سازمان ثبت هم می‌تواند ادعا نماید چون سند مالکیت املاک توسط آن سازمان صادر می‌شود پس دیگر نیازی به مراجعه مردم به دفترخانه نیست و این امر یک فعالیت موازی است و هزینه بیهوده و اضافی به مردم تحمیل می‌کند. در نتیجه، نیازی به ادامه حیات دفاتر اسناد رسمی نیست و باید دفاتر مزبور تعطیل شوند. در حالی که همه ما می‌دانیم که صدور سند مالکیت هیچ‌گونه منافاتی با فعالیت دفاتر اسناد رسمی ندارد و همان‌طور که گفته شد، دفاتر اسناد رسمی ادعایی درخصوص صدور سند مالکیت - اعم از املاک و خودرو - ندارند بلکه حوزه فعالیت آن‌ها تنها به ثبت رسمی معاملات مالکین و خریداران محدود می‌شود و پس از انجام معامله، وظیفه پلیس راهور یا سازمان ثبت آغاز می‌شود که طبق قانون مکلف‌اند براساس اسناد رسمی راجع به معاملات ثبت شده در دفاتر اسناد رسمی برای خریداران سند مالکیت صادر نمایند و در نتیجه هیچ‌گونه تداخلی در این کار صورت نمی‌گیرد. زیرا مراجع مذکور در طول یکدیگر قرار دارند و به همین دلیل، فرض تداخل منتفی می‌باشد مگر آن که پلیس راهور یا سایر مراجع بخواهند وظیفه دفاتر اسناد رسمی را نیز برعهده گرفته و به انجام برسانند که در نتیجه، تداخل در انجام امور، طبیعی خواهد بود. پس شایسته است که پلیس راهور و دفاتر اسناد رسمی هر یک تنها به انجام وظایف محوله قانونی خود بپردازند و از دخالت در امور دیگری پرهیز نمایند و جامعه را نیز از ابتلا به این‌گونه مناقشات و چالش‌ها مصون نگه دارند.

**سوم:** رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور ادعا نموده‌اند «وسیله نقلیه و استفاده از آن، تبعات امنیتی و انتظامی دارد که باید پلیس بر آن نظاره‌گر باشد و بر همین اساس، واگذاری این بخش به بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست». اظهار چنین مطالبی از سوی ایشان عجیب به نظر می‌رسد. زیرا از یک طرف، با ادعای ایشان مبنی بر عدم دخالت پلیس در انجام وظایف دفاتر اسناد رسمی منافات دارد. چرا که واگذاری این امر را به دفاتر اسناد رسمی به دلیل امنیتی

از نظر پلیس امکان پذیر نمی‌داند. در نتیجه، پلیس را گزینه مناسب برای این امر می‌داند. پس به دنبال کسب جایگاه دفاتر اسناد رسمی و جانشینی پلیس در این خصوص می‌باشد.

از طرف دیگر، ترسیم نمودن چهره امنیتی از موضوع نقل و انتقال مالکیت خودرو بسیار مذموم و ناپسند است و از واقعیت فاصله بسیاری دارد. زیرا اگر این چنین باشد، این استدلال در مورد اکثر امور و خدمات و کالاها [یی که دو وجه مصرفی دارند] و حتی لوازم و مایحتاج ضروری مردم نیز قابل تصور است و خرید و فروش و عرضه و نقل و انتقال بسیاری از کالاها و خدمات مانند ابزار و ادوات بزرگ، سوزاننده، شکننده، ارتباطی، حفاری، فنی، آزمایشگاهی، شیمیایی، صوتی و تصویری و غیره نیز ممکن است تبعات امنیتی و انتظامی داشته باشد.

بنابراین عرضه و ارائه و خرید و فروش و نقل و انتقال آن‌ها و بسیاری دیگر از کالاها و خدمات باید به پلیس واگذار شود؛ تنها به این دلیل که ممکن است تبعات امنیتی داشته باشند. پس مراکز مربوط به عرضه و واگذاری و فروش و نقل و انتقال آن‌ها باید تعطیل شوند و به پلیس واگذار شوند تا نگرانی‌های امنیتی مربوطه کاهش یابد. اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین امری حقیقت دارد؟ آیا چنین کاری مقدور است؟ آیا پلیس می‌تواند به تنهایی کلیه امور جامعه را برعهده گرفته و به انجام برساند؟ آیا از چنین توانایی و امکاناتی برخوردار است؟ آیا این امر جزو وظایف قانونی محوله به پلیس می‌باشد؟ آیا با این بهانه می‌توان بخش‌های مختلف اقتصادی، تجاری، اداری و اجتماعی جامعه را تعطیل نموده و متصدیان مربوطه را از کار بیکار و از حقوق قانونی‌شان محروم نمود؟ آیا این طرز تفکر با زندگی اجتماعی و تمدن بشری و تقسیم کار و ایجاد تشکیلات تخصصی و حرفه‌ای و سازماندهی نیروهای کارآمد جامعه برای تصدی امور مختلف کشور سازگار می‌باشد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، پس دیگر چه نیازی به تقسیم تفکیک قوا و ایجاد سازمان‌ها و مؤسسات و تشکیلات اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. وجود پلیس کفایت می‌کند و باید نهادهای دیگر را تعطیل نمود. ولیکن اگر پاسخ منفی است که البته منفی است؛ پس بهتر است پلیس به انجام وظایف قانونی خود بپردازد و از مداخله در انجام

وظایف و امور سایر نهادها خودداری کند! آیا پلیس به تنهایی می‌تواند در تمام این امور مداخله نموده و تجارت و اقتصاد، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی و شغلی و خصوصی و عمومی را کلاً برعهده بگیرد؟ همگان اذعان دارند که این امر، غیرممکن و غیرقابل انجام است. پس پلیس، صرفاً، باید به وظیفه انتظامی خود بپردازد و مراقبت نماید که برخی اشخاص ضد اجتماع از این‌گونه ابزار و امکانات استفاده ضد امنیتی و اجتماعی ننمایند؛ نه این‌که خود بخواهد انجام امور مزبور را کلاً و یک‌جا برعهده بگیرد که هم امکان‌پذیر نیست و هم این‌که برخلاف قانون و روش‌های معمول مدیریت اجتماعی است.

سران دفاتر اسناد رسمی که مطابق قانون، مأموران رسمی دولت در امر تنظیم و ثبت اسناد هستند و ابلاغ ایشان توسط رئیس محترم قوه قضائیه (معاون ایشان در سازمان ثبت) صادر می‌شود و در عین حال، بسیاری از سردفتران دارای ویژگی‌ها و سوابق اجتماعی و شغلی و شأن علمی خاص هستند و صدور ابلاغ ایشان فرایند قانونی سخت و ویژه‌ای را سپری می‌نماید آیا نماینده حاکمیت نیستند و آیا از نظر شغلی و جایگاه قانونی در چنان مرتبه‌ای هستند که حتی استحقاق مواجهه با این‌گونه بی‌حرمتی‌ها را داشته باشند؟! سردفتران که بسیاری از آن‌ها، خود، از مسئولان سابق دولتی بلند پایه در گذشته هستند آیا به اندازه پلیس راهور از مسئولیت و تعهد قانونی و درک و آگاهی لازم از مسائل انتظامی و امنیتی و آشنایی علمی و عملی به کار خود برخوردار نیستند؟ پس چگونه می‌توان این‌گونه بی‌مهری و جفا در حق ایشان روا می‌داشت در حالی که حوزه فعالیت دفاتر اسناد رسمی در بعد کلان کشوری از جمله معدود حوزه‌هایی است که کم‌ترین مسائل و مشکلات قانونی و جزایی را در کارنامه خود به ثبت رسانده‌اند و بیش‌ترین خدمات و سریع‌ترین و بهترین سرویس‌ها را با تحمیل کم‌ترین هزینه بر دوش دولت به انجام رسانده‌اند. بنابراین چگونه می‌توان به این همه خدمت‌رسانی بی‌توجهی نموده و سردفتران را لایق خدمت‌رسانی در این بخش به مردم عزیز و جامعه اسلامی ندانست. بنابر مطالب یادشده روشن می‌شود؛ سردفتران در طول هشتاد سال فعالیت خود همواره در خدمت

جامعه بوده و بهترین خدمات را به کشور ارائه داده‌اند و همواره جزو امنای جامعه و معتمدین محل فعالیت خود شناخته شده‌اند و در نتیجه هرگاه پلیس راهور به دخالت‌های خود در حیطه وظایف قانونی ایشان پایان دهد هیچ‌گونه حادثه‌ای اتفاق نخواهد افتاد و دفاتر اسناد رسمی کمافی‌السابق به خدمات رسانی و فعالیت‌های قانونی خود در امر تنظیم و ثبت اسناد معاملات راجع به خودرو ادامه خواهند داد و از دغدغه‌های دولت با کم‌ترین هزینه خواهند کاست و آرامش و ثبات را در این حوزه - هم‌چون گذشته - به ارمغان خواهند آورد.

**چهارم:** رئیس دفتر حقوقی پلیس راهور در اظهارات خود دچار تناقض‌گویی گردیده و متوجه عدم تطابق و ناهم‌خوانی صدر و ذیل مطالب خویش نبوده‌اند. زیرا از یک سو، مدعی هستند که پلیس راهور در امر نقل‌وانتقال خودروها دخالت نمی‌کند و وظیفه پلیس تنها شماره‌گذاری و تعویض پلاک بوده و هست و این دفاتر اسناد رسمی هستند که موضوع دخالت پلیس در امر نقل‌وانتقال خودروها را دامن زده و رسانه‌ای نموده‌اند و لیکن از سوی دیگر، خود به موضوع دامن زده و با رسانه‌ها مصاحبه نموده و نظر حقوقی پلیس راهور را در خصوص موضوع رسانه‌ای نموده‌اند و این‌طور عنوان نموده‌اند که به‌نظر پلیس نیازی به ثبت رسمی معاملات راجع به خودرو نیست و این امر موجب تحمیل هزینه‌های اضافی به مردم و افزایش سفرهای شهری می‌شود و همین‌طور شناسنامه (و برگ سبز) خودرو را که اختصاص به پلاک خودرو دارد، مترادف با سند مالکیت خودرو تصور نموده‌اند و حرکت تاریخی و قانونی دفاتر اسناد رسمی را در ثبت معاملات خودرو، حرکت موازی با پلیس مطرح و عنوان نموده‌اند که قانوناً الزامی نیست و شناسنامه (پلاک) خودرو را برای اثبات مالکیت کافی دانسته‌اند و دخالت دفاتر را در امر ثبت معاملات خودرو دارای تبعات امنیتی و انتظامی دانسته‌اند که به‌نظر ایشان جایز نیست. در نتیجه ملاحظه می‌شود ایشان برخلاف مدعای خود که پلیس قصد ندارد در انجام وظایف دفترخانه دخالت نموده و آن را برعهده بگیرد با توضیحاتی که در ادامه ارائه می‌دهند، به‌سهولت روشن می‌نمایند که پلیس راهور دقیقاً در پی برعهده گرفتن وظیفه دفترخانه در خصوص مورد

می‌باشد و توضیحات مزبور نیز تنها به‌همین دلیل صورت می‌گیرد تا اثبات نماید که پلیس باید این نقش و وظیفه را عهده‌دار شود اما غافل از آن هستند که مخاطبین ایشان از روشن‌بینی کافی برخوردار هستند و فرق بین ادعا و واقعیت را به‌خوبی درک می‌نمایند. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی از ایشان خواسته است که درخصوص موضوعی که ارتباطی به حوزه کاری ایشان ندارد دست به انجام مصاحبه زده و با رسانه‌ای کردن موضوعی که در سطح تخصصی و حرفه‌ای - اکنون که موضوع در مجلس شورای اسلامی در دست رسیدگی است - باید به مجلس شورای اسلامی منعکس شود درصدد تخریب و تضعیف نقش و جایگاه قانونی دفاتر اسناد رسمی برآمده‌اند؟

آیا درخصوص موضوع نقل و انتقال خودرو کسی از ایشان خواسته است که نظر پلیس راهور را به‌طور عمومی و در سطح رسانه‌های ملی مطرح نماید؟ آیا بیان نظر پلیس در سطح رسانه‌ها به‌جز آن است که در تعقیب خواسته‌ها و منویات صنفی و گروهی پلیس راهور مطرح شده است؟ اگر به‌جز این است مگر ایشان اطلاع ندارند که نمایندگان ملت در کمیسیون قضایی مجلس استدلالات و ایرادات ایشان را بارها و بارها بررسی و تجزیه و تحلیل نموده‌اند و در پایان با رد نظرات ایشان و همکاران‌شان بر این نکته تأکید نموده‌اند که موضوع نقل و انتقال خودرو ارتباطی به تعویض پلاک خودرو ندارد و بایستی کمافی‌السابق در دفاتر اسناد رسمی صورت گیرد و ماده پیشنهادی نیروی انتظامی را به‌نحوی تغییر داده‌اند که درست در جهت مخالفت خواسته پلیس راهور به تصویب رسیده است؟ آیا مصاحبه با رسانه‌ها و القای مطالبی از این دست، به‌معنای تحت فشار قرار دادن مجلس شورای اسلامی در جهت تجدیدنظر در آرای به‌حق و قانونی ایشان نمی‌باشد؟ بنابراین به‌نظر می‌رسد شایسته است مسئولین پلیس راهور دست از این‌گونه مصاحبه‌ها و ارائه مطالب مخالف قانون برداشته و در مسیر کلی نظام حرکت نموده و بخش تصدی‌گری را درخصوص نقل و انتقال خودرو - هم‌چون سال‌های متمادی پیش از این - به دفاتر اسناد رسمی وانهند.